

منزل‌گاه روح انسانی

نسخهٔ پیش از چاپ
در دست تهیه

نسخهٔ ۱.۲.۱.PP.PV

۱۷ آوریل ۲۰۱۴ میلادی

۲۸ فروردین ۱۳۹۳ شمسی



DL Publicaciones

Copyright © 2010 by DL Publicaciones
All rights reserved. Version 1.2.1.PP.PV April 2014

DL Publicaciones
Cra. 101 #11B-20
Cali, Colombia
Email: books@devlp.org
Web site: www.devlp.org

حقّ چاپ © ۲۰۱۰ انتشارات DL
تمام حقوق محفوظ است. نسخهٔ ۱.۲.۱.PP.PV آوریل ۲۰۱۴
انتشارات DL
کالی، کلمبیا
ایمیل: books@devlp.org
وب سایت: www.devlp.org

انتشارات DL (DLP) با خشنودی این نسخه پیش از انتشار از منزل گاه روح انسانی را در دسترس تأسیسات آموزشی و سازمان‌های غیر دولتی منتخب قرار می‌دهد. DLP با هدف انتشار وسیع موادی آموزشی که قابلیت روحانی و علمی افراد، جوامع و مؤسسات اجتماعی آنها را افزایش دهد، به وجود آمد. این انتشارات ضمن توسعه فهرست کتب خود، با سازمان‌های غیر دولتی سراسر جهان که با برنامه‌های آموزشی برای بخش‌های متنوعی از جمعیت سروکار دارند و افرادی با قابلیت فعالیت کردن برای منفعت خانواده‌ها و اجتماع‌شان پرورش می‌دهند، در ارتباط است.

کتاب حاضر بخشی از مجموعه‌ای است که به توان‌دهی اخلاقی و روحانی نوجوانان تخصیص یافته است. این مجموعه که هنوز در مراحل اولیه آماده شدن است، از کتبی درسی در سه سطح مطالعه برای گروه‌های سنی زیر تشکیل خواهد شد: ۱۱ تا ۱۲ ساله‌ها، ۱۲ تا ۱۳ ساله‌ها و ۱۳ تا ۱۴ ساله‌ها. هر سطح متونی در زمینه‌های زبان، ریاضی و علوم و نیز متونی با تمرکز بر چالش‌های زندگی در اجتماع کنونی خواهد داشت. امید است این مجموعه در کلیت خود عناصر یک چارچوب مفهومی را برای نوجوانان فراهم کند که هم‌زمان با فرایند بلوغ آنها و تبدیل شدن‌شان به افرادی بزرگسال، انتخاب‌ها و اقدامات آنها را هدایت خواهد کرد.

نوجوانان با منزل گاه روح انسانی، فرصت می‌یابند تا قدرت‌های روح انسانی را تا حدی از عمق بررسی کنند. در جهانی که به وجود فیزیکی این قدر تأکید می‌شود، این متن با نوجوانان به کاوش در آن دسته از قدرت‌های درونی که فرد انسانی را از همه موجودات دیگر خلقت متمایز می‌سازد، می‌پردازد. کتاب این کاوش را با ورود به کلاس درس معلمی به نام آقای یان اسکات انجام می‌دهد. آقای اسکات حین بررسی مفاهیم معینی در زمینه زبان با گروه دانش‌آموزان خود، به آنها کمک می‌کند که برای مثال در باره ماهیت درک و دریافت روحانی و قدرت بیان انسان تفکر کنند. آن‌گاه متن‌ها و تمرین‌های منزل گاه روح انسانی، نوجوانانی را که کتاب را مطالعه می‌کنند، به تأملات مشابهی وارد می‌کند. ما به دریافت نظرات از سوی کسانی که این نسخه پیش از انتشار را در برنامه‌های آموزشی خود به کار می‌برند، بسیار مشتاقیم. این نظرات بخشی از فرایند اقدام، تأمل و مشورت را که ویژگی توسعه تمام مواد آموزشی منتشر شده از سوی انتشارات DL است تشکیل می‌دهند.

انتشارات DLP

منزل گاه روح انسانی

درس ۱

تماشای تدریس یان اسکات به معنای مشاهدهٔ اذهان جوانانی است که بسیار مشتاق فهم و درک هستند. او یک معلم جدی است و هیچ فردی انتظار ندارد که کلاس‌هایش آسان باشد. با این حال، تقریباً تمام دانش‌آموزان مدرسه مشتاقانه به دنبال این هستند که حداقل یکی از درس‌هایی را که او ارائه می‌دهد، بگذرانند. دورهٔ درسی مخصوص دانش‌آموزان سال اولی بسیار جذاب است. این دوره در مورد زبان است، ولی موارد بیشتری را آموزش می‌دهد؛ دانش‌آموزان می‌گویند که آقای اسکات وارد ذهن آنها می‌شود و همه چیز را از نو ترتیب می‌بخشد. وارد کلاس می‌شویم، در حالی که میلی مشغول خواندن متن کوتاهی است که روز پیش نوشته است. تکلیف این بوده که تعدادی از افعالی را که به حس بینایی ربط دارند انتخاب کنند و آنها را به طور صحیح در چند جمله به کار برند. آقای اسکات بارها گفته است: "ساده بنویسید، خیالی نباشد، فقط جملات کوتاه و واضح."

میلی می‌خواند:

خورشید طلوع می‌کند.

به خورشید نگاه کن.

ما طلوع خورشید را می‌بینیم.

نور وجود دارد.

ما دیروز طلوع خورشید را دیدیم.

ما امروز آن را دیدیم.

ما فردا طلوع خورشید را خواهیم دید.

خورشید هر روز طلوع می‌کند.

همیشه نور وجود خواهد داشت.

به آن مرد نگاه کن.

که را می‌بینی؟

یک دوست را می‌بینی.

آن مرد دوست توست.

به آن زن نگاه کن.

که را می‌بینی؟

یک دوست را می بینی.
آن زن دوست توست.

به مردم نگاه کن.
دوستان را می بینی.

من به تو نگاه می کنم.
من یک دوست را می بینم.
تو دوست من هستی.
من دوست تو هستم.
ما دوست هم هستیم.

آقای اسکات می پرسد: "میلی در چه مورد نوشته است؟"

سهراب پاسخ می دهد: "در باره طلوع خورشید."

الکس می گوید: "در مورد نور."

نظر مریم این است که: "او چند جمله با فعل "دیدن" را کنار هم گذاشته است."

آقای اسکات می گوید: "این ها همه واضح است، اما چیز دیگری نیست که به آن فکر می کرده؟"

برای چند لحظه سکوت برقرار می شود. سپس لائو، که خانواده اش تازه به شهر آمده اند، محجوبانه می گوید: "در باره امید است، امید ما به آینده. وقتی می دانیم که دوستانی داریم، امید هم داریم. میلی، وقتی این متن را نوشتی، به همین فکر می کردی؟"

۱. در هر یک از تمرین های زیر، دور جواب صحیح خط بکشید:

الف. "شاهد چیزی بودن" یعنی:

- به آن اعتقاد داشتن.
- روی دادن آن را دیدن.
- در باره آن شنیدن.

ب. اذهان جوانان مشتاق درک و فهم است. این بدان معنی است که افراد جوان:

- علاقه شدیدی به فهمیدن دارند.
- دوست دارند که به مدرسه بروند.
- کلاس‌های سرگرم‌کننده را دوست دارند.

ج. یان اسکات یک معلم جدی است. "معلم جدی" بودن یعنی:

- با دانش‌آموزان خشن بودن.
- انتظارات بالایی از دانش‌آموزان داشتن.
- دانش‌آموزان اجازه داشته باشند هر کاری که دوست دارند انجام دهند.

۲. گفته می‌شود که آقای اسکات وارد ذهن دانش‌آموزان می‌شود و همه چیز را از نو ترتیب می‌بخشد. جملات ذیل افکاری را شرح می‌دهند که شما با آنها موافق نخواهید بود. در هر مورد، ترتیب کلمات را تغییر دهید تا آنچه را به آن معتقدید بسازید.

الف. مهم این است که دیگران ما را چگونه می‌بینند، نه این که واقعاً چه کسی هستیم. _____

ب. اول به فکر خودت باش، و تنها پس از آن، به نیازهای دیگران توجه کن. _____

ج. می‌توانیم عیب‌های خودمان را ببینیم، اما باید عیب‌های دیگران را ببینیم. _____

بعد از این که دانش‌آموزان در مورد متن میلی بحث کردند؛ آقای اسکات از آنها می‌خواهد چند تمرین انجام دهند. شما نیز از این کار لذت خواهید برد.

۱. جملات زیر را با عباراتی که در ادامه آمده کامل کنید.

الف. من یک دوست را می‌بینم. _____

ب. ما ظلم را می‌بینیم. _____

ج. ما مهربانی را می‌بینیم. _____

د. من شجاعت را می‌بینم. _____

ه. ما زیبایی را می بینیم _____

و. من بخشندگی را می بینم _____

ز. من عدالت را می بینم _____

... در افرادی که با محبت از بیماران پرستاری می کنند.

... هنگامی که به چهره دیگران نگاه می کنم.

... هنگامی که فردی دیگران را تحقیر می کند.

... در دفاع از حقوق ضعیفان.

... در رنگ های متعدد طبیعت.

... در بیان حقیقت زمانی که کار آسانی نیست.

... هنگامی که مردم دانشی را که به دست آورده اند، با دیگران در میان می گذارند.

۲. چیزهایی که در اطراف مان می بینیم، ممکن است اندیشه های خاصی را به ذهن مان بیاورند. هر کدام از جملات زیر را با یکی از این کلمات کامل کنید:

امید ثبوت خضوع خلوص هماهنگی آزادی

الف. هنگامی که به آب زلال جاری در جویبار نگاه می کنم، _____ به ذهنم می آید.

ب. هنگامی که به یک کوه مرتفع نگاه می کنم، _____ به ذهنم می آید.

ج. هنگامی که به یک پرنده در حال پرواز در آسمان نگاه می کنم، _____ به ذهنم می آید.

د. هنگامی که بارقه سپیده دم را می بینم، _____ به ذهنم می آید.

ه. هنگامی که به زمین زیر پایم نگاه می کنم، _____ به ذهنم می آید.

و. هنگامی که ستاره های جهان را می بینم، _____ به ذهنم می آید.

درس ۲

متنی را که در جلسهٔ دوم کلاس خوانده می‌شود، فرانکو نوشته است:

به خورشید نگاه کن.

به ماه نگاه کن.

به ستارگان نگاه کن.

خورشید نور می‌دهد.

ماه نور می‌دهد.

ستارگان نور می‌دهند.

ما در نور می‌توانیم بینیم.

دیشب تاریک بود.

نوری وجود نداشت.

ما در تاریکی نمی‌توانستیم بینیم.

خورشید صبح طلوع کرد.

خورشید نور تابانید.

ما توانستیم بینیم.

به چیزهایی که نزدیک مان هستند نگاه می‌کنیم.

به چیزهایی که دور از ما هستند نگاه می‌کنیم.

ما با چشمان مان می‌بینیم.

برای دیدن به چشم نیاز داریم.

ما به دنبال نور گشتیم.

ما نور را پیدا کردیم.

نور همه جا هست.

ما هنگامی که نور هست، می‌بینیم.

ما برای دیدن به نور نیاز داریم.

انیدیا اجازه می‌گیرد و می‌گوید: "فرانکو نیز در مورد نور نوشته است، نوری که از خورشید، ماه و ستارگان سرچشمه می‌گیرد."

کیانگا می‌گوید: "ما برای دیدن به چشم و به نور نیاز داریم."

میلی می‌پرسد: "فرانکو، منظور تو فقط نور فیزیکی نبود، درست است؟"

"نه، نوع دیگری از نور هست که به ما کمک می‌کند تا با... کلمات به ذهن فرانکو نمی‌آید."

آقای اسکات می‌گوید: "تا با چشم باطن ببینیم، فرانکو. این نور به ما کمک می‌کند که حقیقت را ببینیم، اما گاهی اوقات ما چشم باطن مان را به روی این نور می‌بندیم. همچنین حجاب‌هایی وجود دارد که ما را از دیدن و تشخیص صحیح از غلط باز می‌دارد."

لائو می‌پرسد: "منظورتان "تعصب" است؟"

آقای اسکات پاسخ می‌دهد: "تعصب، نفرت، حسد و ترس بعضی از حجاب‌هایی هستند که اجازه نمی‌دهند نور دانش به چشم باطن ما برسد."

۱. در هر یک از تمرین‌های زیر، دور جواب صحیح خط بکشید:

الف. نور فیزیکی به ما کمک می‌کند تا با چشم ظاهرمان ببینیم. این جا، لغت "فیزیکی" یعنی:

- مطالعه فیزیک.
- چیزی که قابل دیدن نیست.
- چیزی که از طریق یکی از حواس مان قابل درک است: بینایی، شنوایی، لامسه، چشایی و بویایی.

ب. به وسیله چشم باطن می‌توانیم فرق بین صحیح و غلط را ببینیم و تشخیص دهیم. کلمه "باطن" در اینجا اشاره دارد به:

- چیزی درون بدن مان
- قدرتی فراتر از حواس فیزیکی ما.
- چیزی خارج از بدن ما.

ج. حجاب‌ها ما را از دیدن حقیقت منع می‌کنند. در این جا "حجاب" اشاره دارد به:

- پرده‌ای که از یک پنجره آویزان است.
- چیزی که بدن ما را می‌پوشاند.
- چیزی که چشم باطن ما را می‌پوشاند.

د. "کلمات به ذهن فرانکو نمی‌آید" به این معنی است که:

- فرانکو کلمات مورد نیازش را به خاطر نمی‌آورد.
- فرانکو حرفی را که می‌خواهد بگوید فراموش می‌کند.
- فرانکو چیزی را گم می‌کند.

۲. تعصبات حجاب‌هایی هستند که چشم باطن ما را می‌پوشانند و به ما اجازه نمی‌دهند که حقیقت را ببینیم. هر جمله در سمت چپ را به یک جمله از سمت راست وصل کنید تا نشان دهید که برای رهایی از تعصب باید چه کنیم:

تحرّی حقیقت در هر موردی

این که فکر کنیم از افرادی که تحصیلات
کمتری دارند بهتر هستیم.

اعتقاد به این که همه در نظر خداوند برابر
هستند

پذیرش کورکورانه حرف‌های دیگران

خضوع نشان دادن از خود در برابر همگان
و یادگیری از آنها

دوست نداشتن مردمان نژادهای دیگر

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرین‌های زیر را انجام دهند:

۱. زمانی که می‌خواهیم در باره گذشته، حال و آینده صحبت کنیم، می‌توانیم کلماتی مانند "دیروز"، "امروز" و "فردا" را به کار ببریم. جملات را با استفاده از کلمات ذیل کامل کنید:

دانه تعلق بگیرد زیبایی کودکان مرده

- الف. چیزی که ما امروز صاحب آن هستیم، ممکن است فردا به دیگری _____.
- ب. امروز یک _____ کاشته می شود؛ فردا یک درخت تنومند سر بر خواهد آورد.
- ج. پیشرفت باعث شده است شهری که تا دیروز _____ به نظر می آمد امروز زنده شود.
- د. _____ که امروز تربیت می شوند، جوانانی هستند که فردا به بشر خدمت خواهند کرد.
- ه. باطنی هرگز از بین نمی رود. فردا نیز مانند امروز وجود خواهد داشت.

۲. در عبارات ذیل، کلماتی مانند "صبح"، "روشنی"، "شب" و "تیرگی" به صورت خاصی استفاده شده اند. با وصل کردن دو به دوی این عبارات به هم دیگر، به تعداد ممکن گزاره های صحیح بسازید.

روشنی عشق از بین می برد
 تاریکی نفرت را
 تاریکی تعصب را
 صبح امید در هم می شکند
 شب جهالت تاریک می کند
 تیرگی غم را
 تاریکی یأس را
 نور سرور بیرون می راند
 روشنی حقیقت را
 نور دانش زائل می کند

آقای اسکات می‌گوید: "شعری که امروز خواهیم شنید، شعری است که ساتیش در مورد نور دانش نوشته است."

ساتیش شروع به خواندن می‌کند:

چیزهایی را که اطراف هستند مشاهده می‌کنی.
چیزهایی را که کوچک هستند بررسی می‌کنی.
چیزهایی را که بزرگ هستند نظاره می‌کنی.
می‌بینی و درک می‌کنی.

به درخت نگاه کن و ببین که برگ‌ها حرکت می‌کنند.
به اقیانوس نگاه کن و ببین که موج‌ها بالا می‌آیند.
برگ‌ها و موج‌ها را با چشمان خود می‌بینی.
می‌دانی که باد وجود دارد.
باد را با ذهن خود می‌بینی.

وقتی دانش باشد، می‌توانیم ببینیم.

با نور دانش می‌بینیم.

نور خورشید روشن است. می‌توانیم تا دوردست را ببینیم.

نور دانش روشن‌تر است.

با نور دانش خیلی فراتر از آن را می‌بینیم.

به درخت نگاه می‌کنیم و میوه‌ها را می‌بینیم.

به مردم نگاه می‌کنیم و دوستان را می‌بینیم.

به وحدت فکر می‌کنیم.

ما میوه‌های یک درخت هستیم.

ما درک می‌کنیم.

انیدیا می‌گوید: "وقتی هر سه متن را با هم در نظر می‌گیرم، چیزها بامعنی می‌شوند."

الکساندر می‌پرسد: "منظورت چیست؟"

انیدیا پاسخ می‌دهد: "خوب، ما اول در مورد نور خورشید صحبت کردیم، و این که چگونه خورشید هر روز طلوع می‌کند تا به ما نور بخشد. سپس در مورد حجاب‌هایی صحبت کردیم که بین نور دانش و چشم باطن ما ایجاد می‌شوند. حالا ساتیش در باره این نوع دیگر از نور بیشتر برایمان می‌گوید."

آقای اسکات می‌گوید: "بدون نور دانش، قادر نخواهیم بود که صحیح را از غلط، حقیقت را از خطا و زیبایی را از زشتی تشخیص دهیم و ببینیم. بدون دانش، زندگی‌های مان پر از اوهام می‌شود. آیا می‌دانید سراب چیست؟ اگر در یک روز داغ و سوزان در بیابانی باشید، ممکن است در فاصله دور چیزی را ببینید که مثل دریاچه به نظر می‌آید. اگر تشنه باشید، شاید به سمت آن بدوید، آن‌گاه درمی‌یابید که واقعاً آبی وجود ندارد. این یک وهم است. زمانی که جوان هستید، قبل از این که بارها با دیدن سراب فریب بخورید، باید یاد بگیرید که سراب را آن طور که است ببینید. تمام چیزهایی که شما را جذب می‌کنند، برای شما خوش‌بختی نمی‌آورند. این که خوش‌بختی در خرید تمام چیزهایی است که چشم‌مان را به خود معطوف داشته، وهم است. سروری که از کار و صرف درآمد به نفع خانواده‌ها و جامعه‌مان حاصل می‌شود، سرور حقیقی است. این فکر که خشن، خودبین و فریکار بودن موفقیت می‌آورد، وهم است. مهربانی، خضوع و صداقت صفاتی هستند که باید در طلب کسب آنها باشیم. این که قدرت در ثروت، قوای فیزیکی و موقعیت‌های بالای اجتماعی است — تا هر کار دوست داریم بکنیم، قلدری کنیم و مردم را به کنترل خود درآوریم — وهم است. قدرت حقیقی در عشق و خدمت ایثارگرانه به بشر است. و این از دانش حاصل می‌شود، دانش که حجاب‌ها را زائل می‌کند و ما را از خرافات و تعصب رها می‌سازد، دانش که به ما کمک می‌کند تا جهانی عادلانه و صلح‌آمیز بنا کنیم."

۱. در هر یک از تمرین‌های زیر، دور پاسخ صحیح خط بکشید:

الف. بدون دانش، زندگی ما پر از اوهام می‌شود. "وهم"

- یک ایده یا باور صحیح است.
- چیزی است که ما را فریب می‌دهد، بظاهر وجود دارد در حالی که بواقع چنین نیست.
- چیزی است که رؤیایش را داریم.

ب. وقتی فکر می‌کنیم در جاده‌ای داغ یا در صحرایی از شن، لایه‌ای آب پیش روی مان می‌بینیم، این "سراب" است. ما سراب می‌بینیم، زیرا:

- تشنه هستیم.
- نور توهم آب را به وجود می‌آورد.
- به دنبال آب می‌گردیم.

ج. این که چیزی "چشمان ما را به خود معطوف داشته" به این معنی است که:

- متوجه آن می شویم.
- نمی توانیم از آن غفلت کنیم.
- آن را می قاپیم.

۲. جملات زیر را با انتخاب کلمه صحیح از بین موارد ذیل کامل کنید:

فریبکار خشن خاضع خودبین مهربان صادق

- الف. _____ بودن به این معنی است که احساسات لطیف از خود نشان ندهیم.
- ب. غیر محتمل است که یک انسان _____ خودبین باشد.
- ج. استفاده از حيله برای گمراه کردن دیگران _____ است.
- د. یک قلب _____ پر از عشق به دیگران است.
- ه. فريبکار بودن روش یک انسان _____ نیست.
- و. وقتی بیش از حد نگران ظاهرمان هستیم، این که دیگران در باره ما چه فکر می کنند، چه مقدار پول داریم و کدام اقلام تجملاتی را داریم، _____ هستیم.

۳. خرافات باورهای مخالف خرد هستند. بعضی از آنها، مانند موارد ذیل، جزئی و بی ضرر هستند. به موارد دیگری از این دسته که شنیده اید فکر کنید و آنها را در زیر بنویسید.

شماره ۱۳ بدشانشی می آورد.

آرزوهای که با دیدن شهاب سنگ می کنیم، به حقیقت می پیوندد.

اگر موقع غذا خوردن زبانتان را گاز بگیرید، برای این است که اخیراً دروغی گفته اید.

اگر هسته هندوانه را بخورید، در شکمتان هندوانه خواهد رویید.

اگر زمانی که سگه ای را در چاه یا چشمه ای می اندازید آرزو کنید، آرزوی تان به حقیقت می پیوندد.

تعداد ضربدرهای خطوط کف دست راست نشان می دهد که شما چه تعداد فرزند خواهید داشت.

هنگام مرگ یک فرد باید تمام پنجره ها را باز کرد تا روح بتواند خارج شود.

اگر آرزوی تان را به فردی بگویید، برآورده نمی شود.

بعد از ذکر یک اقبال خوب سه بار به چوب ضربه بزنید تا ارواح پلید آن را از بین نبرند.

حجاب عروس او را از ارواح پلید که به افراد شاد حسادت می ورزند، محافظت می کند.

دیدن جغد در روشنی روز بدشانسی می آورد.
آگر کف دست راستان می خارده به این معنی است که به زودی پولی به دست می آوری.

۴. بعضی خرافات وجود دارند که باعث می شوند مردم به نحو مضرّی فکر و عمل کنند. تعیین کنید که کدام یک از باورهای زیر خرافاتی است و کدام یک بر پایه حقیقت بنا شده است. هر یک را، به ترتیب، با (خ) یا (ح) علامت بزنید.

- _____ اعتقاد به جادوگری.
- _____ اعتقاد به قدرت دعا و مناجات.
- _____ اعتقاد به این که گروه خاصی از مردم، همه، محکوم به مجازات جهنّم هستند.
- _____ اعتقاد به این که یک فرد با کشتن فرد دیگری از دین و یا نژاد دیگر در بهشت پاداش خواهد گرفت.
- _____ اعتقاد به این که هر فرد انسانی شریف خلق شده است.
- _____ اعتقاد به قدرت خیر برای غلبه به شرّ.

آقای اسکات از دانش آموزان می خواهد دو تمرین زیر را انجام دهند:

۱. ما چیزهایی را که نمی توانیم با چشمانمان ببینیم با ذهنمان می بینیم. چگونه می دانیم که موارد زیر وجود دارند؟

- عشق
- نیروی جاذبه زمین
- اتم ها و مولکول ها
- الکتریسیته

- خورشیدها و سیارات بی شمار
- خوبی و نیکی
- روح انسانی

۲. اوهام حجاب‌هایی هستند که بینایی ما را تیره و تاریک می‌کنند. اما در طول تاریخ، انسان‌ها از قدرت تخیل خود برای فکر کردن به ایده‌هایی که سبب روشنی بخشیدن به جهان شده‌اند، استفاده کرده‌اند. چگونه تخیل موارد ذیل به پیشرفت تمدن کمک کرده است؟

- سفر در فضا
- سفر در پهنهٔ اقیانوس‌ها
- پرواز
- دیدن در تاریکی
- سفر در زیر آب
- فرستادن پیام‌های فوری
- جهانی در صلح

متن زیر را چندین بار بخوانید:

یک انسان ممکن است به درجات بالایی از ترقی مادی برسد، اما بدون نور حقیقت روحش از توقف بازمی‌ماند و روبه نابودی می‌رود. انسان دیگر ممکن است هیچ موهبت مادی نداشته باشد و در پایین‌ترین سطح اجتماعی باشد، اما با دریافت حرارت شمس حقیقت، روحش بزرگ و ادراکات روحانی‌اش روشن-بینانه باشد.

اکنون، بنا بر آنچه در چند درس قبل یاد گرفتید، متنی دربارهٔ قدرت بینایی بنویسید:

درس ۴

سه جلسه آینده به قدرت شنوایی اختصاص دارد. در ابتدا متن سهراب خوانده می شود:

در باغی می ایستم.

باغ مشرف به دریا است.

نزدیک چشمه ای می ایستم.

می ایستم و گوش می دهم.

آب از چشمه جاری است.

صدای زمزمه آب را می شنوم.

خورشید دارد طلوع می کند.

پرنندگان روی شاخه های درختان آواز می خوانند.

نسیم ملایمی می وزد.

گل ها می رقصند.

صدای نجوای نسیم را می شنوم.

آن موسیقی را که گل ها با آن می رقصند می شنوم.

پیرامون من، همه جا، موسیقی است.

اما برای شنیدن این نوا، باید گوش بسپارم.

من گوش می دهم.

روح من اوج می گیرد.

ذهنم آرامش می یابد.

پیترا با شوخی می گوید: "این بار مطمئنم که در مورد گوش باطن صحبت می کنیم."

آمینا پاسخ می گوید: "و همین طور در مورد گوش ظاهری."

مریم می پرسد: "آیا آن موسیقی که سهراب گفته می شنود، واقعی است یا تخیلی؟"

آقای اسکات می پرسد: "آیا نویسنده یک نوای زیبا قبل از این که نت ها را بنویسد تا دیگران بنوازند، آن را

نمی شنود؟"

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور جواب صحیح خط بکشید:

الف. باغ مُشرف به دریا است. این یعنی:

- از باغ می توان منظره دریا را دید.
- باغ نزدیک ساحل است.
- باغ نزدیک دریا است.

ب. صدای زمزمه آب:

- صدای بلند پاشیدن آب است.
- صدای مداوم و آرام آب جاری است.
- صدای آبی است که تصوّر می کنید می شنوید.

ج. زمانی روح ما اوج می گیرد که:

- خشمگین هستیم.
- سرور عمیقی داریم.
- در هواپیمایی در حال پرواز هستیم.

۲. جملات زیر را با یکی از کلمات ذیل کامل کنید:

شنیدن جستجو کنیم بپرسم دیدن درک کردن چشم پوشی کنیم ایستادن

الف. برای _____، باید گوش بدهم.

ب. برای _____، باید نگاه کنم.

ج. برای _____، باید فکر کنم.

د. برای دوست بودن، باید از خطاهای هم دیگر _____.

ه. برای یافتن، ما باید _____.

و. برای _____، باید بلند شوم.

ز. برای مشاهده کردن، من باید _____.

در زیر تمرین‌هایی که آقای اسکات از دانش‌آموزان خواسته ذکر می‌شود:

۱. آنچه می‌شنویم به نحوی بر ما نفوذ و تأثیر دارد. در جهت کمک به شما برای فکر کردن راجع به این مسئله، هر جمله زیر را با یکی از عباراتی که در ادامه آمده است، کامل کنید.

- الف. گوش دادن به نصیحت یک دوست دانا _____.
- ب. گوش دادن به چاپلوسی دیگران _____.
- ج. گوش دادن به اشعار زیبا _____.
- د. گوش دادن به آه ستم‌دیدگان _____.
- ه. گوش دادن به کلماتی که نفرت را می‌آموزند _____.
- و. گوش دادن به گریه یک کودک _____.
- ز. گوش دادن به یک موسیقی زیبا _____.
- ح. گوش دادن به یک سخن پوچ و بیهوده _____.

... سرور را به قلوب ما می‌آورد.

... می‌تواند ما را کند و کودن کند.

... قلوب ما را از موهبت عشق خالی می‌کند.

... به ما می‌گوید که آن کودک گرسنه است یا درد می‌کشد.

... معنای غنی کلمات را به ما می‌آموزد.

... به ما کمک می‌کند که برای مشکلات سخت راه‌هایی پیدا کنیم.

... به ما از رنج آنها می‌گوید.

... می‌تواند ما را خودبین و مغرور نمایند.

۲. موسیقی می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی روی ما بگذارد. چند مثال از موسیقی‌هایی که می‌شناسید بنویسید که برخی از افکار، احساسات و خواسته‌های مثبتی را که در ادامه آمده درون شما ایجاد می‌کنند:

- افکار صلح
- احساسات دل‌سوزانه هنگام درد کشیدن دیگران
- طلب قیام و خدمت به بشر
- احساسات سرور و آسایش

- طلب رهایی ستم‌دیدگان
- طلب نزدیک‌تر شدن به خدا

برای جلسه دوم در باره قدرت شنوایی، آقای اسکات از مریم می خواهد قطعه ای را که نوشته بخواند:

او اولین کلماتش را از مادرش یاد گرفت.

او صدای مادرش را شنید.

او صدای مادرش را شناخت و دانست.

او صداها را شنید.

او صداها را تقلید کرد.

او توانست کلمات را بشنود.

آنها نامها بودند.

آنها نامهای اشیاء بودند.

آنها نامهای انسانها و مکانها بودند.

او توانست آن اشیاء را ببیند.

او توانست آن انسانها و مکانها را ببیند.

او توانست آنها را با چشمانش ببیند.

او نامهای آنها را دانست.

چیزهایی بودند که او نمی توانست ببیند.

او برای آنها نیز کلماتی لازم داشت.

او کلمات تازه را یاد گرفت.

به زودی، او برای چیزهایی که نمی توانست ببیند، کلماتی داشت.

کلمات گرد هم می آمدند.

افکار در ذهنش شکل می گرفتند.

او به کلام دیگران گوش داد.

او افکار دیگران را درک کرد.

اکنون، او خواندن کلمات را یاد می گیرد.

کلمات به او قدرت تفکر می دهند.

کلمات به او قدرت تخیل می دهند.

او کلمه را می شنود.
او برای دریافت معنا گوش می سپارد.
او درک می کند.

انیدیا می گوید: "من از ایده گوش دادن برای دریافت معنا خوشم آمد."

آقای اسکات هم موافق است: "مریم بینش مهمی را در اختیار ما گذاشته. همگی ما باید یاد بگیریم که برای دریافت معنا گوش کنیم. اگر این کار را انجام دهیم، سوء تفاهم کمتری میان ما به وجود خواهد آمد."

فرانکو می گوید: "من فکر می کنم برای درک دیگران، باید با قلب مان نیز به آنها گوش کنیم."

آقای اسکات توضیح می دهد: "صحیح است. کافی نیست که فقط به کلمات گوش کنیم؛ باید سعی کنیم که افکار و احساساتی را که در پس کلمات است درک کنیم. معمولاً برای مردم مشکل است کلماتی را که برای تفهیم اندیشه های شان به آنها احتیاج دارند پیدا کنند. با گوش دادن صبورانه و با دقت، به آنها کمک می کنیم تا منظورشان را بهتر توضیح دهند."

لائو می گوید: "و گاهی ما چیزی می گوئیم و منظورمان عکس آن است. هنگامی که غمگین هستیم، به دوستانم می گوئیم که من را تنها بگذارند، اما واقعاً نمی خواهم تنها بمانم. یک دوست خوب به من گوش می دهد و مرا درک می کند."

ساتیش می پرسد: "چگونه می توانیم یاد بگیریم که با دقت گوش کنیم؟ هنگامی که به صحبت های دیگران گوش می دهیم افکارم پراکنده می شود."

الکساندر در جواب می گوید: "من هم همین طور، اما هنگامی که حواسم پرت می شود، به خودم می آیم و می گوئیم که باید تمرکز کنم."

آقای اسکات می گوید: "تمرکز کردن مهم است، اما داشتن ذهن باز نیز به همان اندازه مهم است. افرادی که از اندیشه های خود مالا مالند، نمی توانند به خوبی گوش کنند. به نظر می رسد که در حال گوش دادن هستند، اما در واقع دارند به چیز بعدی که می خواهند بگویند فکر می کنند. یک راه برای این که دریابید شنونده خوبی هستید این است که ببینید از آنچه دیگران برای گفتن دارند، چه اندازه یاد می گیرید."

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور جواب صحیح خط بکشید.

الف. ما داریم تقلید می‌کنیم وقتی

- از فرد دیگری یاد می‌گیریم چگونه کاری را انجام دهیم.
- از گفته‌های دیگران پیروی می‌کنیم و این کار را بدون تفکر انجام می‌دهیم.
- به صدای ماهیت پست‌تر خود گوش می‌دهیم و بر اساس آن عمل می‌کنیم.

ب. "تفهیم اندیشه‌های مان" یعنی:

- ابراز اندیشه‌های مان به طور واضح تا دیگران آنها را بفهمند.
- از اندیشه‌ای به اندیشه دیگر پریدن.
- تمام اندیشه‌های مان را به دیگران بگوییم.

ج. زمانی که افکارمان پراکنده می‌شوند:

- در هوا معلق هستیم.
- به طور جدی گوش می‌کنیم و در باره آنچه می‌شنویم فکر می‌کنیم.
- بر آنچه می‌شنویم یا می‌خوانیم تمرکز نمی‌کنیم.

د. "مالا مال بودن" یعنی:

- نیمه پر بودن
- کاملاً پر بودن
- تقریباً پر بودن

۲. اغلب برای بیان چیزهایی که نمی‌توانیم ببینیم، بشنویم، لمس کنیم یا ببوییم، همان کلماتی را به کار می‌بریم که برای توصیف اشیای مادی استفاده می‌کنیم. برای مثال، کلمه "خالص" می‌تواند برای توصیف "آب" و "نیت" به کار رود. به دو دسته کلمات زیر نگاه کنید. برای هر کلمه، مثالی آورده شده تا نحوه کاربرد آن در معنایی مادی و غیرمادی را تصویر کند. برای هر مورد یک مثال دیگر بنویسید و آن را در فضای خالی بنویسید.

<u>غیرمادی</u>	<u>مادی</u>
اراده قوی	ماهیچه قوی
_____ قوی	_____ قوی
اهداف بلند	صندلی بلند
_____ بلند	_____ بلند

شیربی باک	قلب بی باک
_____ بی باک	_____ بی باک
اتاق روشن	آینده روشن
_____ روشن	_____ روشن
بازوی شکسته	عهد شکسته
_____ شکسته	_____ شکسته
سیب زمینی شیرین	رؤیای شیرین
_____ شیرین	_____ شیرین
لیموی تلخ	خاطرات تلخ
_____ تلخ	_____ تلخ
گوشه تاریک	افکار تاریک
_____ تاریک	_____ تاریک
موج پست	هدف پست
_____ پست	_____ پست
اعصاب ضعیف	شخصیت ضعیف
_____ ضعیف	_____ ضعیف
سنگ سرد	احساسات سرد
_____ سرد	_____ سرد
آب گرم	مهمان نوازی گرم
_____ گرم	_____ گرم

- آقای اسکات از دانش آموزان می خواهد که تمرین های زیر را انجام دهند:
۱. ویژگی های زیر را در نظر بگیرید. کدام یک ممکن است به فرد کمک کند تا خوب به دیگران گوش دهد و کدام سبب می شود خوب به دیگران گوش ندهد. هر عبارت را، به ترتیب، با (م) و (ن) علامت بزنید.
- _____ مالا مال از اندیشه های خویش بودن.
- _____ فکر کردن به این که خیلی می دانیم.
- _____ منقطع بودن از نظرات خود.
- _____ باز و پذیرا بودن در برابر حکمت های دیگران.
- _____ این احساس که ایده های مان خیلی مهم هستند.

- _____ این باور که بینش‌های دیگران ارزش مند هستند.
- _____ خیلی سریع سراغ نتیجه‌گیری رفتن.
- _____ این که بخواهیم ثابت کنیم همیشه حق با ماست.
- _____ آماده بودن برای یادگیری از دیگران.
- _____ این احساس که ایده‌های مان ممکن است کاملاً صحیح نباشد.
- _____ این که فکر کنیم همه چیز را می‌دانیم.
- _____ باور کردن هر چیزی که می‌شنویم.
- _____ این که فقط کلام افرادی را که دوست داریم باور کنیم.
- _____ مخلصانه به دیگران توجه کردن.

۲. کدام یک از عبارات زیر یک شنونده خوب را هنگامی که به حرف‌های کسی گوش می‌کند، توصیف می‌کند؟ علامت بزنید.

- _____ مدام به اطراف نگاه می‌کند تا ببیند چه اتفاقاتی می‌افتد.
- _____ به گوینده نگاه می‌کند.
- _____ مدام خمیازه می‌کشد.
- _____ بی‌صبرانه منتظر است که صحبت‌های گوینده تمام شود.
- _____ مدام به آنچه می‌خواهد بگوید فکر می‌کند.
- _____ به تک تک کلماتی که می‌شنود، توجه دقیق می‌کند.
- _____ رؤیابافی می‌کند.
- _____ دائماً صحبت گوینده را قطع می‌کند.
- _____ نقاشی می‌کشد.
- _____ به دیدگاه‌های گوینده احترام می‌گذارد.
- _____ سعی می‌کند که ذهن گوینده را بخواند.

درس ۶

دانش‌آموزان به افکاری که پیتر برای جلسهٔ آخر موضوع قدرت شنوایی نوشته، گوش می‌دهند:

فریادها را می‌شنوم:

این را بخرید.

آن را بخرید.

بیشتر بخرید.

بخرید تا شاد و خوش‌بخت باشید.

بانگ‌ها را می‌شنوم:

به من رأی دهید.

به ما بیونید.

ما شما را شاد و خوش‌بخت خواهیم کرد.

نجوهای حسادت را می‌شنوم:

او بیش از تو دارد.

او بیش از تو می‌داند.

او را به زمین بکش و پیروز شو.

اصوات جنگ را می‌شنوم.

فریادهای خشم را می‌شنوم.

صداهای زیبا کجایند؟

نغمه‌های سرور انگیز کجایند؟

شنیدن آنها دشوار است.

سروصداهای حواسم را منحرف می‌کنند.

در به روی صداهای منحرف‌کننده می‌بندم و آن‌گاه می‌توانم صدایی دیگر را بشنوم.

می‌توانم نواهای شیرین و جاودانه‌ای را بشنوم.

تو شریفی.

برای فقرا، گنجینه باش.

برای محزونان، سرور باش.

برای قربانیان سرکوب و ستم، مدافع باش.

برای جسم بشریت، نفس حیات باش.

برای شجر فروتنی، ثمر باش.

آقای اسکات می گوید: "پیترا جملات بامعنایی نوشته است."

کیانگا نظر می دهد: "او به ما می گوید که اطراف ما را اصواتی فرا گرفته که حواس ما را منحرف می کنند."

آمینا می گوید: "مثل صدای آگهی ها و تبلیغات، "این را بخريد"، "آن را بخريد"، "به من رأی دهید." نمی توانیم از آنها خلاص شویم."

الکساندر می گوید: "و کلمات خشم ناک می شنویم."

انیدیا می گوید: "در باره جنگ و دعوا خیلی صحبت ها هست."

لائو توضیح می دهد: "هم چنین فریاد بلند افرادی را که دعوا می کنند می شنویم، آن روز صدای مردی را شنیدم که از اتومبیل گران قیمتش بر سر پیرمردی که آهسته از خیابان می گذشت، طوری فریاد می زد که انگار مالک خیابان است."

میلی می پرسد: "پیترا، منظورت از نجوای حسادت چه بود؟"

پیترا پاسخ می دهد: "منظورم صدای درون ماست که دائماً به ما می گوید آنچه را دیگران دارند بخواهیم."

آقای اسکات توضیح می دهد: "این صدای مداوم، صدای ماهیت پست تر ماست. این از همه بانگ و فریادهایی که اطراف مان می شنویم، خطرناک تر است. صدایی است که به ما می گوید، ما مرکزگیتی هستیم و باید همه چیز را برای خودمان بخواهیم. باید نسبت به این صدا ناشنوا باشیم، و در عوض به صدای ماهیت والاتر خود یعنی جنبه شریف وجودمان گوش دهیم. روزی یک فیلسوف بزرگ چینی گفت که این صدا با نوای ملکوت هماهنگی دارد."

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور پاسخ صحیح خط بکشید:

الف. "نجوا کردن" یعنی با صدای آرام و آهسته سخن کردن. افراد با یکدیگر نجوا می کنند:

▪ وقتی نمی خواهند دیگران گفته های آنها را بشنوند.

- وقتی چیز مهمی برای گفتن دارند.
- وقتی می‌خواهند حقیقت را بیان کنند.

ب. "کسی را به زمین کشیدن" یعنی:

- نشان دادن کسی.
- انجام دادن هرکاری برای شکست خوردن دیگری.
- شکست دادن کسی در یک بازی.

ج. وقتی چیزی "جاودانه" است:

- با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.
- عمر کوتاهی دارد.
- عمر طولانی دارد.

۲. برای هر یک از جملات زیر، هر جای خالی را با یکی از کلمات یا عبارات داده شده پر کنید به گونه‌ای که اندرز صحیحی ساخته شود:

گوش کن گوش نکن یاد بگیر یاد نگیر

- الف. به غیبت و سخن چینی _____
- ب. عادات ناپسند را _____
- ج. به موسیقی زیبا _____
- د. به حقیقت _____
- ه. به حرف‌های دروغ _____
- و. از اشتباهات _____
- ز. به کلام حکیمانه _____
- ح. خوب فکر کنی. _____
- ط. خاضع باشی. _____

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرینات زیر را انجام دهند و بدین ترتیب به آنها کمک می‌کند از پیام‌های نادرستی که اغلب می‌شنویم، آگاه باشند:

۱. در ذیل هر یک از پیام‌های زیر، یک یا دو جمله در توصیف آن که چه مشکلی دارند بنویسید:

الف. الماس بهترین دوست یک دختر است.

ب. تو ارزش داشتن تمام این لوازم آرایشی را داری.

ج. این تلویزیون موجب حسادت همسایه و مایهٔ مباحثات و سرور تو خواهد شد.

د. رؤیای داشتنش را رها کن، آن را بخر و بران!

ه. شادی و خوش‌بختی یعنی کشیدن این مارک سیگار.

و. هر بوسه‌ای با هدیه دادن یک جواهر شروع می‌شود.

ز. می‌توانی ثروت‌مند شوی، فقط اگر تلاش کنی! این کتاب را بخر تا راز ثروت‌مند شدن را بفهمی.

ح. این آبجو کمک می‌کند از همه بهتر شوی؛ بعد از نوشیدن یک جرعه، هر کاری را به خوبی انجام می‌دهی.

ط. این عطر باعث زیاد شدن عشق و شهوت می شود.

ی. پوشیدن این لباس معرف هویت واقعی توست.

۲. تبلیغات از حقایق نیمه راست تشکیل شده اند. ذیلاً خلاصه ای از گفته های یک سیاست مدار در یک رالی سیاسی نقل می گردد. سخنرانی کامل او خیلی طولانی تر بود و هر چند دقیقه با فریادهای تشویق آمیز حاضران قطع می شد. با توجه به آنچه در باره جهان می دانید، اگر این فرد انتخاب شود، تا چه حد به وعده هایش پایبند خواهد بود؟

من در شهر کوچکی به دنیا آمدم و در فقر بزرگ شدم. هم زمان با دانشگاه، به انجام دو کار مشغول بودم و می دانم تلاش و تقلاً چگونه است. ما ملت بزرگی هستیم و لایق یک رهبر بهتر هستیم. رهبری از مردم و برای مردم. مردم کشور ما از وعده های تو خالی خسته هستند. صورت حساب های درمانی، شهریه های تحصیل و رهن و وام هم چنان افزایش سرسام آور دارد. صدها هزار نفر مجبور به کار در شیفت شب و شیفت روز هستند. اگر من برنده انتخابات باشم، تضمین می کنم که در برابر کار برابر، دستمزد برابر پرداخت شود؛ هیچ کودکی بدون تحصیلات باقی نخواهد ماند و هیچ کس از مراقبت بهداشتی مناسب محروم نخواهد ماند. هر خانواده سخت کوشی، حق مالکیت خانه خود را دارد. به من رأی دهید و من قول می دهم با هم دیگر این ملت را دوباره به بزرگی خواهیم رساند.

این بیانات را چندین مرتبه بخوانید:

بیایید به دنبال ترانه‌ای با شیرین‌ترین نغمه‌ها باشیم تا شاید فرشتگان آن را بگیرند و به ملاء اعلیٰ رسانند.
بیایید به آهنگی گوش کنیم که عالم انسانی را به حرکت آورد تا شاید انسان‌ها از سرور تقلیب گردند.

بیایید به نوایی گوش دهیم که به انسان زندگی عطا کند آن وقت می‌توانیم نتایج جهانی به دست آوریم،
روحي جدید دریافت کنیم و نورانی گردیم. بیایید ترانه‌ای بجوییم که ورای همه ترانه‌هاست، ترانه‌ای که
روح را پرورش دهد و نشاط و هماهنگی به ارمغان آورد و قوای مکنون زندگی را آشکار نماید.

اکنون، براساس آنچه در سه درس آخر یاد گرفته‌اید، متنی درباره‌ی قدرت شنوایی بنگارید.

آقای اسکات بر اساس سال‌ها تجربه می‌داند که جوانان چه قابلیت‌هایی در تفکر عمیق دارند و اذهانشان چه سرعتی در پرورش قدرت بیان دارد. بنا بر این، هنگام گوش دادن به اولین متن مربوط به قدرت گویایی که الکساندر نوشته و نیز دو متن پس از آن تعجب نمی‌کند:

یک دروغ گفته شد.

دهان به دهان گشت و زندگی‌های بسیاری را از هم پاشید.

حقیقت گفته شد.

بر هر سرزمینی پرتو افکند و اذهان را روشن ساخت.

لسان انسان برای گفتن حقیقت خالق شد.

کلمه‌ای درشت ادا شد.

قلبی را شکست و برای عالم غم آورد.

کلمات شفقت‌آمیز ادا شد.

قلوب را خوشحال کرد و بردرک و فهم افزود.

لسان انسان برای ادای کلمات شفقت‌آمیز خلق شد.

کلماتی بی‌ملاحظه بیان شدند.

آنها منتشر شدند و مردمان را از هم دیگر جدا کردند.

کلماتی به حکمت بیان شدند.

معنای بدیع مکشوف شد و دشمنان به دوستان مبدل گشتند.

لسان انسان برای بیان کردن حکمت خلق شد.

سخن‌چینی‌هایی بود.

کلمات پوچی وجود داشت.

آنها به زهر تبدیل شدند و در ارواح رسوخ کردند.

لسان انسان برای صحبت‌های بیهوده خالق نشد.

می‌تواند سکوت را انتخاب کند.

آمینا می‌گوید: "الکساندر به ما می‌گوید که کلمات ما کارهایی می‌کنند، هم خوب و هم بد."

فرانکو می‌گوید: "مثل چیزهایی که وقتی حقیقت یا دروغ گفته می‌شود اتفاق می‌افتد."

کیانگا می‌گوید: "و این که کلمات شفقت‌آمیز چطور قلوب افراد را تغییر می‌دهند."

ساتیش می‌گوید: "اما من از آدم‌هایی که خیلی تملق می‌گویند، خوشم نمی‌آید."

مریم می‌گوید: "به خاطر این است که فکر می‌کنی مخلص و بی‌ریا نیستند."

پیتر می‌گوید: "و من در باره حکمت مطمئن نیستم. نمی‌خواهم آدم حکیمی باشم."

همه می‌خندند چون می‌فهمند پیتر وانمود می‌کند فرد حکیمی است.

آقای اسکات که به وضوح از گفته پیتر خوشش آمده می‌گوید: "خوشحالم که پیتر مزاح را وارد بحث‌مان می‌کند. در واقع، بین شوخ‌طبعی و حکمت رابطه‌ای هست."

پیتر می‌گوید: "آقای اسکات، منظورتان این است که می‌توانیم در عین این که حرف‌های بامزه می‌زنیم، حکیم هم باشیم؟"

"بله، تویکی از آن افرادی هستی که می‌دانی چطور شوخی کنی بدون این که از زبان بد استفاده کنی یا کسی را مسخره کنی. من به چنین افرادی حکیم می‌گویم. متأسفانه ما گاهی در باره تأثیری که ممکن است کلام ما داشته باشد، این که چطور ممکن است به احساسات کسی صدمه بزند، فکر نمی‌کنیم. بعضی لطیفه‌ها به منظور تحقیر کردن دیگران گفته می‌شود. مطمئنم که لطیفه‌های زیادی در باره زنان و یا مردم ناحیه خاصی شنیده‌اید. این نوع لطیفه‌ها بیان‌گر تعصب هستند. تکرار کردن آنها نه تنها حکیمانه نیست، بلکه نشانه آن است که ما چنین تعصباتی را تصدیق می‌کنیم."

میلی می‌گوید: "فکر کنم وقتی این لطیفه‌ها را می‌شنویم، بهترین کار این است که نه بخندیم و نه چیزی بگوییم. به نظرم این گزاره الکساندر که نوشته "لسان انسان برای صحبت‌های بیهوده خلق نشده، می‌تواند سکوت را انتخاب کند" حکیمانه‌ترین چیزی است که او گفت."

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور پاسخ صحیح خط بکشید.

الف. وقتی حقیقت ذهن ما را روشن می‌کند:

- اشعه‌های نور را می‌بینم.
- می‌توانیم به وضوح فکر کنیم.
- اصلاً تاریکی نمی‌بینیم.

ب. "ادا کردن" یعنی:

- تلاوت کردن.
- سخن گفتن.
- فریاد زدن.

ج. "ادا کردن کلمات درشت" یعنی:

- با ناملایمت سخن گفتن.
- با دشواری سخن گفتن.
- با صدای بلند سخن گفتن.

د. "خوشحال کردن قلب کسی" یعنی:

- آنها را تحسین کردن.
- برای آنها سرور به ارمغان آوردن.
- با کلمات مان دیگران را فریب دادن.

ه. وقتی زهر صحبت‌های بیهوده و شایعات بی‌اساس در روح مان رسوخ می‌کند:

- ما را به هلاکت می‌رساند.
- ما را بیمار می‌کند.
- افکار و کلمات مان را آلوده می‌سازد.

۲. سخن چینی، صحبت کردن در باره زندگی شخصی دیگران است. شایعه پراکنی غلط است زیرا

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | الف. موجب ناراحتی افرادی می‌شود که در باره آنها صحبت می‌کنیم. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ب. معمولاً از روی بداندیشی انجام می‌شود. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ج. شایعات و حقایق نیمه‌راست را منتشر می‌کند. |

د. حتی وقتی سخن گفته شده حقیقت داشته باشد موجب ناراحتی می شود.

ه. زندگی دیگران به ما ربطی ندارد که در باره آن صحبت کنیم.

و. وقت مان را تلف می کنیم.

ز. مثل زهری برای روح ماست.

۳. مقابل حقیقت همیشه دروغ نیست. ممکن است صرفاً اشتباه شده باشد. در اینجا برخی اندیشه‌هایی آمده که خیلی از افراد ممکن است مخلصانه به آنها باور داشته باشند. از هر دو گزاره، آن را که مطابق حقیقت است علامت بزنید.

___ اگر دو سنگ که وزن یکی دو برابر دیگری است از ارتفاع یکسان رها شوند، زمان رسیدن سنگ سنگین‌تر به زمین نصف زمان رسیدن سنگ سبک‌تر به زمین است.

___ اگر دو سنگ که وزن یکی دو برابر دیگری است به طور هم‌زمان از ارتفاع یکسان رها شوند، هم‌زمان به زمین می‌رسند.

___ برای این که شیئی را در حال حرکتش با سرعت داده شده حفظ کنیم، باید به آن نیرو اعمال کنیم.
___ یک شیء در صورتی که تحت اعمال هیچ نیرویی نباشد، به حرکت خود با سرعتی که داشته ادامه خواهد داد.

___ نور سفید ترکیب نورهای با رنگ‌های مختلف است.

___ نور سفید فقط همین است: نور بدون رنگ.

___ ارزش یک انسان در کیفیات روحانی‌ای که دارد است.

___ ارزش یک انسان در میزان ثروتی که دارد است.

___ تنها چیزهایی را که می‌توانیم با حواس پنج‌گانه‌مان بشناسیم، وجود دارند.

___ در خلقت خداوند چیزهای بسیار بیشتری نسبت به آنچه می‌توانیم با حواس پنج‌گانه‌مان بشناسیم، وجود دارد.

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرین‌های زیر را انجام دهند:

۱. باید سعی کنیم از صحبت‌های بیهوده بپرهیزیم. این بدان معنا نیست که فقط باید در باره مسائل جدی بحث کنیم. اغلب از صحبت کردن با دوستانمان در باره گستره وسیعی از موضوعات غیر جدی لذت می‌بریم. از فهرست موضوعات زیر مواردی را که نیازمند گفتگوی جدی هستند، آنها که مناسب گفتگوی غیر جدی هستند و مواردی که منجر به صحبت‌های بیهوده می‌شوند شناسایی کنید. به ترتیب با (ج)، (غ) و (ب) علامت بزنید:

___ پیش‌برد محیط زیستی که از نظر بوم‌شناسی متوازن باشد.

___ دوستی بین دختر و پسر که آنها را می‌شناسید.

___ یک بازی فوتبال.

___ خطاهای فردی که او را می‌شناسید.

___ زمانی که خوانده‌اید.

___ فیلمی علمی-تخیلی که دوست دارید.

___ نحوه لباس پوشیدن فردی که او را می‌شناسید.

___ نحوه سخن گفتن فردی که او را می‌شناسید.

___ زندگی یک ستاره سینما.

___ مطالعات آینده‌تان.

___ مقاله‌ای که سعی دارید بنویسید.

___ وفاداری به دوستان.

___ آب و هوا.

___ علل جنگ و تروریسم.

___ غذاهای مورد علاقه‌تان.

___ اقلام تجملاتی که تبلیغاتشان در یک مجله آمده.

___ عدالت و انصاف.

___ مارک لباس‌هایی که دوستان‌تان می‌پوشند.

___ علل فقر.

___ امانت.

___ چگونگی ایجاد وحدت.

۲. برای این که به طور جدی در باره موضوعات مهم بحث کنیم، لازم است ایده‌هایمان را با وضوح بیان کنیم. برای این منظور، نمی‌توانیم صرفاً ایده‌هایی را از این سو و آن سو بگیریم و آنها را تکرار کنیم. لازم

است بسیار بخوانیم، با افراد صاحب دانش صحبت کنیم و قبل از این که داوری‌های خودمان را شکل دهیم، نظرگاه‌های مختلف را سازمان‌دهی کنیم. یکی از موضوعات بالا را که نیازمند بحث جدی شناختید، انتخاب کنید و شرح دهید چطور می‌خواهید توانایی خود را برای شرکت در گفتگوی بامعنایی در باره این مبحث پرورش دهید.

درس ۸

در جلسه بعد، کیانگا متنی را که درباره قدرت گویایی نوشته می خواند:

همه چیز سخن می گوید: بعضی با صوت و بعضی در سکوت.

بلبل می سراید.

بلبل از عشقش به گل می سراید.

شیر نعره سر می دهد.

شیر نعره شجاعت سر می دهد.

صوت ریزش باران به روح بخشندگی جلال می دهد.

کار کردن مورچه ها با یکدیگر در سکوت تجلی قدرت هم کاری است.

حرکت پیوسته لاک پشت رو به جلو گویای ارزش استقامت است.

کوه از ثبوت سخن می گوید.

آینه روشنی خورشید را اعلان می کند.

هراتم در عالم هستی ستایش گر خالق است.

اگر زمین زبان سخن گفتن داشت، آوایش شنیده می شد که می گفت: "من غنی هستم. همه شما را تأمین

می کنم. با این حال می پذیرم زمینی باشم که بر آن راه می روید."

کلمات ما سخن می گویند.

اعمال ما سخن می گویند.

بگذارید کلمات و اعمال مان خاضعانه سخن گویند.

همان لحظه که کیانگا خواندن گزاره خود را به پایان می رساند، سهراب می گوید: "دقیقاً می دانم کیانگا

سعی دارد چه بگوید. کلمات به تنهایی کافی نیستند. ما عمل کنیم."

امینا می افزاید: "هم چنین می گوید باید با خضوع سخن بگوییم و عمل کنیم."

کیانگا می گوید: "این ایده را چند هفته پیش، از یکی از متونی که آقای اسکات به ما داد، گرفتیم. زمین

همه ما یحتاج ما را فراهم می کند و ما را تأمین می نماید. منبع معاش ماست و با این حال به ما اجازه می دهد بر آن

راه برویم. این خضوع و فروتنی است."

پیتر می گوید: "اما خضوع به این معنا نیست که بگذاریم دیگران به کلی از ما استفاده کنند."

الکساندر می گوید: "نه، این خضوع نیست. ضعف است."

ساتیش می گوید: "و حماقت."

انیدیا می گوید: "من فکر می کنم خضوع به این معنا است که خود را برتر از دیگران ندانیم و نیز تمایل به یادگیری از آنها داشته باشیم."

آقای اسکات می گوید: "متنی که کیانگا نوشته ایده مهم دیگری را به یاد ما می آورد. فقط سخن گفتن و عمل کردن کافی نیست، آنچه واقعاً به حساب می آید، کیفیت کلمات و اعمال ماست. کیانگا به خضوع اشاره می کند، اما کیفیات بسیار دیگری وجود دارند که به همان اندازه اهمیت دارند. ما باید با صداقت و راستی، با شجاعت و حکمت و با عشق و محبت سخن بگوییم و عمل کنیم و نیات ما باید خالص باشد. هیچ چیز از کلماتی که به دلایل خودخواهانه گفته می شوند، به دست نمی آید."

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور پاسخ صحیح خط بکشید.

الف. عبارت "شیر نعره شجاعت سر می دهد" یعنی:

- شیر گرسنه است.
- غرّش بلند شیر نشان دهنده نبود ترس است.
- شیر خشمگین است.

ب. "جلال دادن" چیزی یعنی:

- آن را بسیار تحسین و تمجید کردن.
- نور افکندن به آن.
- آن را بزرگ تر جلوه دادن.

ج. "اعلان کردن" حقیقت یعنی گفتن آن به:

- فقط چند تن از دوستان نزدیک است.
- کسانی که مشتاق دانستن هستند.
- عموم.

د. "استقامت" یعنی:

- با سرعت پیش رفتن و عقب نشینی کردن در مواجهه با موانع.
- پیش و پس رفتن.
- قدم به قدم پیش رفتن و تسلیم نشدن حین بروز موانع.

۲. گاهی صفت ثبوت با خیره‌سری اشتباه می‌شود. تعیین کنید در کدام یک از موقعیت‌های زیر، صفت ثبوت را از خود نشان می‌دهیم و در کدام یک خیره‌سری و لجاجت می‌کنیم. هر یک را به ترتیب با (ث) و (خ) علامت بزنید.

___ به شدت بر نظرات خود تکیه داریم و به هیچ اندیشه متفاوتی گوش نمی‌دهیم.

___ تحت سخت‌ترین شرایط برای انجام آنچه باور داریم حقیقت دارد، همچنان کار و فعالیت می‌کنیم.

___ وقتی یک پروژه خدمتی انجام می‌دهیم، آماده ایجاد هیچ تغییری در طرح اولیه نیستیم، حتی وقتی ضروری باشد.

___ در انجام یک پروژه خدمتی، آماده اعمال تغییر و تعدیل‌هایی در طرح اولیه هستیم تا بتوان به شرایط پیش‌بینی نشده رسیدگی کرد.

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرین‌های زیر را انجام دهند:

۱. غرور در مقابل خضوع قرار می‌گیرد. اما دیدن غرور همیشه کار ساده‌ای نیست؛ می‌تواند در فروتنی غیر واقعی پنهان باشد. تصور کنید در هر یک از موقعیت‌های زیر قرار داشتید. کدام یک از پاسخ‌های اشاره شده خضوع حقیقی (د)، غیر حقیقی (ن) یا غرور (غ) را نشان می‌دهد. عبارات را بر این اساس علامت بزنید.

الف. به عنوان نماینده مدرسه انتخاب می‌شوید تا در یک رویداد ملی، سخنرانی کنید.

___ قدرتان این فرصت هستید و مسئولیت سخنرانی به نیابت از مدرسه را جدی می‌گیرید.

___ در حالی که وظیفه‌تان به عنوان نماینده مدرسه را به همه می‌گویید، واقعاً دغدغه دارید با فرصتی که دارید مشهور شوید.

___ فکر می‌کنید بهترین دانش‌آموز مدرسه هستید و این حق شماست که نماینده مدرسه شوید.

- ب. شما در یک مشورت گروهی درباره مسئله‌ای که برای تان خیلی مهم است شرکت دارید:
- _____ شما با دقت به صحبت‌های همه گوش می‌دهید و با احترام به گفته‌های دیگران، افکار خود را بیان می‌کنید.
- _____ شما مدام صحبت‌های دیگران را قطع می‌کنید و سعی می‌کنید آنها را تصحیح کنید چون حس می‌کنید در باره موضوع مورد بحث خبره هستید.
- _____ در سرتاسر زمان مشورت، شما هر جمله را با عبارت "اگر نظر خاضعانه من را بخواهید" شروع می‌کنید و در ادامه بر نظرات خود پافشاری می‌کنید.
- ج. شما چند تن از دوستان را برای شام دعوت می‌کنید. تمام روز را به آماده کردن غذا مشغول هستید:
- _____ وقتی مهمان‌های تان به خاطر غذا شما را تحسین می‌کنند، می‌گویید: "حالا می‌توانید بفهمید چرا وقتی مجبورم غذایی را که دیگران درست کرده‌اند بخورم، آنقدر ایرادگیر و حساس هستم."
- _____ در حالی که فکر می‌کنید غذا لذیذ است و هیچ کس مثل شما آشپزی نمی‌کند، دائماً از دوستان تان برای این که غذای بهتری نپخته‌اید عذرخواهی می‌کنید تا تعریف بیشتری در باره مهارت‌های آشپزی تان بشنوید.
- _____ با مهربانی از تعریف‌های همه تشکر می‌کنید و به آنها می‌گویید که همه چیز را از مادرتان که به شما آشپزی آموخته، یاد گرفته‌اید.
- د. شما در یک پروژه خدمت که گروه تان برنامه‌ریزی کرده، شرکت می‌کنید:
- _____ متحدانه با دیگران کار می‌کنید و برای نقشی که هر یک اعضا ایفا می‌کند، ارزش قائل هستید.
- _____ خیلی کم کار می‌کنید، ولی بعداً به دیگران می‌گویید از کاری که انجام داده‌اید، چقدر احساس بزرگی می‌کنید.
- _____ وقتی اعضای گروه در حال تأمل بر این تجربه هستند تا ببینند دفعه بعد چطور می‌توانند عمل کرد بهتری داشته باشند، مدام به دیگران می‌گویید "ما نهایت تلاش مان را کردیم."
۲. در هر یک از موقعیت‌های زیر، آیا به نظر می‌رسد نیت فرد یا افراد مورد نظر پاک و خالص باشد؟ در هر مورد برخی از پیامدهای احتمالی چیست؟

- فردی می‌گوید: "من به پیش‌برد صنایع بومی کمک خواهم کرد." او کسب‌وکاری را آغاز می‌کند و صنایع دستی یک گروه بومی را به قیمت ناچیزی می‌خرد و آنها را با قیمت بالاتری به مشتریان ثروت‌مند می‌فروشد. در نتیجه، خیلی ثروت‌مند می‌شود.
- دانش‌آموزی که برای گرفتن نمرات خوب از معلم خود تلاش می‌کند، به معلم می‌گوید: "من برای این پروژه خدمتی داوطلب می‌شوم زیرا کمک کردن به دیگران را دوست دارم."
- فرد جوانی که متوجه می‌شود کودکان محله‌شان، وقتی والدین سرکار هستند، عموماً به حال خودشان رها شده‌اند، به آنها می‌گوید آرزو دارد چند ساعت در هفته برای کودکان کلاسی تشکیل دهد.
- فردی دوستش را که در امتحان قبول نشده این گونه دل‌داری می‌دهد که "آخر دنیا که نیست؛ تسلیم نشو، دفعه بعد بهتر عمل خواهی کرد."
- یک گروه نوجوانان متوجه می‌شوند که خانم سال‌خورده‌ای در جامعه‌شان بیمار است. آنها برای او خواروبار لازم را می‌خرند و به خانه‌اش می‌برند. با احترام مناجاتی برای شفای او می‌خوانند و از او می‌پرسند آیا کمک بیشتری از دست‌شان بر می‌آید.
- کاندیدایی برای این که به عنوان شهردار انتخاب شود، از کمک‌های مالی زیادی که به مؤسسات خیریه مختلف در جامعه‌اش می‌کند، سخن می‌گوید.

آخرین قطعه در باره قدرت گویایی را انیدیا می خواند:

گفتار انسان می تواند شمشیری باشد که حقیقت را از کذب جدا می کند.
برای مدافعان عدالت، پیروزی به ارمغان می آورد.

گفتار انسان می تواند شعله ای باشد که حجاب غفلت را می سوزاند.
حجاب تعصب را می سوزاند.
حجاب نفس حریص و حسود را می سوزاند.

گفتار انسان شیراست که روح را تغذیه می کند.
آرمان های والا و کردار شرافت مندانه را تشویق می کند.

گفتار انسان کلیدی برای باز کردن قلب است.
قلب را برای دریافت نور حقیقت می گشاید.

اما کلمات وقتی بر قلب اثر می کنند که با عشق گفته شوند.
وقتی در روح نفوذ می کنند که با خلوص گفته شوند.
تنها وقتی به ما الهام می بخشند که با خضوع ادا شوند.

مریم می گوید: "انیدیا به ما می گوید کلمات ما وقتی قدرت دارند که با خضوع، خلوص و عشق گفته شوند.
دفعه پیش در باره بعضی از این موارد بحث کردیم."

سهراب می گوید: "اما آیا کلمات نفرت انگیز و حسادت آمیز نیز قدرت ندارند؟ به این فکر کنید که چگونه
با مردم صحبت می کنند تا از هم نفرت داشته باشند و حتی هم دیگر را به قتل برسانند."

آقای اسکات که معمولاً قبل از گفتن اندیشه هایش صبر می کند تا جوانان سخن بگویند، فوراً وارد گفتگو
می شود. "مطلبی که سهراب گفته چنان مهم است که نباید به سرعت از آن بگذریم. شاید، حتی بدتر از
جنگ هایی که بشر در طول تاریخ کرده، آن فصول تاریخی باشد که "نسل کشی" نامیده می شود که طی آنها گروهی
از کسانی که قدرت داشتند، تصمیم گرفتند گروه دیگری را که سد راهشان بودند از میان ببرند. همه در باره
نمونه ای از این حوادث که در اواسط قرن بیستم رخ داد شنیده اید، هولوکاست. برای مدتی به نظر می رسید که
جهان بیدار شده و آنچه رخ داده پیش چشمان خود دیده و دیگر هرگز دوباره اقدام به نسل کشی نخواهد شد. اما

متأسفانه حتی امروز نیز همان حوادث وحشتناک همچنان تکرار می‌شوند. حال آنچه می‌خواهم شما بدانید آن است که این نوع کشتارهای دسته‌جمعی با کلمات شروع می‌شوند. بالاخره، پنهان کردن کشتار هزاران بلکه میلیون‌ها انسان کار ساده‌ای نیست. بنا بر این، افرادی که تمایل به ارتکاب نسل‌کشی دارند، با تبلیغ نوعی صحبت در میان مردم خود شروع می‌کنند. گروهی که از آن متنفردند به عنوان گروه شیر و خطرناک برای منافع ملت و حتی بشریت نمایانده می‌شود. بعد آنها را کمتر از انسان جلوه می‌دهند که وجودشان حتی ارزش توجه ندارد. همین طور که این صحبت ادامه پیدا می‌کند، تفکر مردم تیره و کدر می‌شود و وجدان‌شان به خواب می‌رود. این حالت فرصت انجام انبوهی از اعمال ظالمانه نسبت به گروه مورد نفرت را یکی پس از دیگری مهیا می‌سازد، اعمالی که هر یک شدیدتر از قبلی است، در حالی که دیگران فقط تماشا می‌کنند یا، به بیانی، با سکوت خود در ظلم سهیم می‌شوند."

واضح است که آقای اسکات احساساتی شده است. جوانان به ندرت او را در این حالت دیده‌اند. در این حالت هیجان، حتی از زبانی استفاده کرده که تا حدی برای آنها دشوار است. اما درک کردند. بالاخره گرچه آنها جوان هستند، ولی کاملاً از اتفاقات هولناکی که در جهان پیرامون‌شان می‌افتد، آگاهند. سکوتی طولانی برقرار می‌شود تا این که فرانکو به آرامی می‌گوید:

"اما برای من سخت است. من هر وقت این نوع صحبت را می‌شنوم، چنان عصبانی می‌شوم که نمی‌دانم چه بگویم. نمی‌توانم کلمات را پیدا کنم."

آقای اسکات پاسخ می‌دهد: "به همین خاطر است که قطعه‌ای که انیدیا نوشته این قدر مهم است. برای همین است که همه باید قدرت گویایی مان را توسعه دهیم و یاد بگیریم از آن برای پیش‌برد امر درست استفاده کنیم."

۱. در هر یک از تمرینات زیر، دور پاسخ صحیح خط بکشید.

الف. وقتی چیزی ما را تغذیه می‌کند:

- به ما آنچه برای رشد و پرورش نیاز داریم می‌دهد.
- ما را ثروت‌مند می‌کند.
- ما را ضعیف می‌کند.

ب. فردی که آرمان‌های والا دارد، احتمالاً:

- می‌خواهد ثروت‌مند و ثروت‌مندتر شود.
- می‌خواهد بر دیگران فرمان‌روایی کند.
- در مورد عدالت و وحدت، سخن می‌گوید و عمل می‌کند.

ج. هنگامی که تفکر ما تیره و کدر می‌شود:

- دیگر افکار ما واضح و منطقی نیستند.
- سرما در میان ابرها است.
- شفاف و واضح فکر می‌کنیم.

۲. وجدان ما حسّی است که به ما کمک می‌کند درست را از غلط تمییز دهیم. تعیین کنید جملات زیر صحیح هستند یا اشتباه. وقتی وجدان ما به خواب رود:

نادرست	درست	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. ما تمایل داریم گزاره‌های نادرست و رسواکننده علیه دیگران را باور کنیم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ب. ظلم و بی‌عدالتی بر ما تأثیر نمی‌گذارند.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ج. از اعمال ناپسند خود احساس شرمندگی می‌کنیم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	د. علیه نفرت و تعصّب صلا درمی‌دهیم.

۳. تعیین کنید کدام یک از موارد ذیل کاری است که ما وقتی شاهد اعمال ظالمانه و بی‌عدالتی علیه تمام اعضای یک گروه از مردم هستیم، باید انجام دهیم:

___ باید در سکوت بمانیم و به کار خودمان مشغول شویم.

___ باید در حمایت از قربانیان بی‌عدالتی نهایت تلاش ممکن را بنماییم.

___ باید صلا دردهیم و دیگران را از وضعیّت آگاه کنیم تا آنها نیز کمک کنند.

___ باید به قربانیان بگوییم کسانی را که به آنها ظلم می‌کنند خشمگین نکنند.

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرین‌های زیر را انجام دهند و بدین ترتیب به آنها کمک می‌کند در باره تأثیر کلمات تفکر کنند:

۱. کلمات به طرق مختلف بر ما اثر می‌گذارند. به عنوان مثال، وقتی کلمات تعصّب‌آمیز ترویج شود، نتیجه‌اش نبود وحدت و سوء ظنّ در میان مردم است. اما زمانی که کلمات عشق و رقابت منتشر گردد، نتیجه‌اش هماهنگی و یگانگی است. در اینجا جملاتی آمده که بیانگر افکار عمیق و زیبایی هستند. در زیر هر یک، کیفیّات و منش‌هایی را بنویسید که گوش دادن به جمله در ما ایجاد می‌کند و یا از قلب‌مان می‌زاید. فهرست زیر به شما کمک خواهد کرد:

خلوص، عشق، سوء ظن، اعتماد، حس برتری، بخشندگی،
بی‌قراری، سرور، ترس، پشتکار، تنبلی، رقابت، حسادت، حسن
نیت، خدمت فارغ از نفس، دورویی، نوع دوستی، خشم

در روضه قلب جز گل عشق مکار

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

قلبی پاک، نیک و نورانی دارا شو

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

عالم انسانی را دو بال است، یک بال رجال و یک بال نساء؛ تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

از تکاهل و تکاسل بر حذر باشید و به آنچه عالم، از صغیر و کبیر، شیخ و آرمه، از آن نفع برد تمسک جوید

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

چون آیام فزونی آمد انفاق کنید و چون فقدان حاصل شد صبور باشید

ایجاد می‌کند _____

می‌زداید _____

۲. جهالت بر نبود دانش دلالت دارد. پاراگراف زیر نشان‌دهنده جهالت نسبت به حقایق مسلمی است. پاراگراف را بخوانید و سپس جملات ذیل آن را به ترتیب درست قرار دهید تا پاراگراف دیگری در جواب به آن ساخته شود.

ما حیواناتی هوشمند هستیم. هیچ‌گاه به واقع جنگل را رها نکرده‌ایم؛ هر روز، مجبوریم برای بقا بجنگیم. اما باید یاد بگیریم به شکلی متمدن رقابت و منازعه کنیم. این برای همه ما خوب است. برای رقابت متمدن، نیازمند قوانین هستیم. اگر قوانین بازی ما منصفانه باشند، بهترین آدم‌ها پیروز می‌شوند. برای این که مطمئن شویم متمدن هستیم، نیازمند قوانینی هستیم تا افرادی که از بازی طبق قوانین سر باز می‌زنند مجازات شوند. این گونه است که تمدن پیشرفت می‌کند، از طریق آنچه قوی‌ترین‌های ما انسان‌ها می‌سازند و بنا می‌کنند.

- وقتی ماهیت والاتر ما ماهیت پست‌تر را تحت کنترل خود درمی‌آورد، یاد می‌گیریم با هم کار کنیم و هم‌کاری نماییم.
- عشق‌عاری از نفس، شفقت، مهربانی و عدالت از علائم ماهیت والاتر ما هستند.
- اعمال ظالمانه و بی‌عدالتی تجلی ماهیت پست‌تر ما هستند.
- ماهیت انسان دو جنبه دارد: روحانی و مادی.
- پیروی از ندای ماهیت مادی مان سرانجام به یأس منجر می‌شود.
- کرداری که انعکاس ماهیت روحانی ما هستند، سرور حقیقی برای ما به ارمغان می‌آورند.
- ما قدرت هوش خود را در جهت پیش‌برد منافع تمام نوع انسان به کار می‌گیریم.
- این گونه است که تمدنی را بنا می‌کنیم؛ این گونه است که هم از لحاظ مادی و هم از نظر روحانی پیشرفت می‌کنیم.
- ما یاد می‌گیریم از شرارت، نه به خاطر ترس از مجازات، بلکه به خاطر آن که مجذوب‌کردار شرافت‌مندانه هستیم، پرهیز کنیم.

متن زیر را چندین بار بخوانید:

گفتار نیک و صدق در بلندی مقام و شأن مانند آفتابست که از افق سماء دانش اشراق نموده.

حال بر اساس آنچه در سه جلسه اخیر یاد گرفته اید، متنی در باره قدرت گویایی بنویسید:

لائو در بارهٔ مهارت‌های خلاقانهٔ دست متن زیر را می‌خواند:

باغبان آنجا که قبلاً علف هرز رویده بود، گل کاشت.

من یک شاخهٔ کوچک با دو گل سرخ چیدم.

و در گلدان گذاشتم.

دست‌های کوزه‌گر به گل شکل داد تا گلدان شود.

گلدان و گل‌ها به نحوی هماهنگ در کنار هم و برآمدهٔ هم هستند.

کشاورز با دستانش به من غذا داد.

او دانه‌ها را می‌کارد، به گیاهان آب می‌دهد و آنها را حفظ می‌کند.

محصول کارهای او به همهٔ ما می‌رسد.

نقاش پرنده را در پرواز دل‌انگیز می‌بیند.

از لبخند کودک در شگفت می‌ماند.

هیاهوی شهر را مشاهده می‌کند.

با چند حرکت قلم مو آنها را در اثرش جای می‌دهد.

او نکات باریک و لطیفی را نشانم می‌دهد که به تنهایی نمی‌دیدم.

دستان ما هر خلق می‌کنند.

سهراب می‌پرسد: "این که یاد گرفتیم از دستان مان استفاده کنیم، همان چیزی نبود که به ما کمک کرد

انسان‌هایی شویم که امروز هستیم؟"

مریم پاسخ می‌دهد: "در کلاس زیست‌شناسی به ما گفته شد استفاده از انگشت شست در تکامل ما از

مهم‌ترین رویدادها بود."

آمینا می‌افزاید: "همین طور به ما گفته شد که ابزار ساز هستیم. این توانایی در ساخت ابزار بود که به نوع

انسان اجازه داد تا تمدن بسازند."

پیتر می‌گوید: "از تیشه سنگی تا کامپیوتر!"

آقای اسکات به شوخی می‌پرسد: "کتاب زیست‌شناسی‌ای که مطالعه کردید نگفت که انسان ابزار را ساخت یا ابزار انسان را ایجاد کرد؟"

مریم جواب می‌دهد: "حقیقت را بگویم، به نظر می‌آمد ابزارها ما را افرادی کرده‌اند که هستیم."

کیانگا می‌پرسد: "چطور ممکن است؟"

مریم توضیح می‌دهد: "خوب، به نظر می‌آمد این ابزار بودند که مغز نوع انسان را پرورش دادند. ابزارها به ما یاد دادند چطور رفتار کنیم، چطور با هم‌دیگر ارتباط داشته باشیم و حتی چطور فکر کنیم. در باره این که انسان‌ها بودند که ابزار را اختراع کردند، به ندرت صحبت می‌شد."

انیدیا می‌گوید: "متأسفم که باید چنین بگویم، اما خیلی برایم مفهوم نیست. چطور ممکن بود ابزار به ما تعلیم دهند که چگونه فکر کنیم؟"

الکساندر می‌گوید: "مگر مردم بعضی از راه‌های فکر کردن را از تلویزیون یاد نمی‌گیرند؟"

میلی می‌پرسد: "مگر تلویزیون ابزار است؟"

الکساندر جواب می‌دهد: "فکر کنم. یک ابزار ارتباطی است."

ساتیش می‌گوید: "ولی ما واقعاً از تلویزیون یاد نمی‌گیریم. افراد برنامه‌ها را می‌سازند و در آن بازی می‌کنند. ما از آنها یاد می‌گیریم."

آقای اسکات که از تبادل ایده‌ها لذت می‌برد وارد گفتگو می‌شود: "امیدوارم این آخرین نکته‌ای که ساتیش گفت به یاد داشته باشید. وقتی تصمیم می‌گیرید از ابزاری استفاده کنید، باید به وضوح درک کنید که چه می‌کنید. مثلاً فقط برای وقت‌کشی تلویزیون را روشن می‌کنید یا می‌دانید که قصد دیدن چه برنامه‌ای را دارید و چرا؟"

آمینا می‌پرسد: "مورد این که بخواهیم تفریح کنیم چه؟"

آقای اسکات می‌گوید: "تفریح بد نیست، اما شما باید برنامه‌هایی را که تماشا می‌کنید به دقت انتخاب کنید. شما باید از نوع پیامی که این برنامه‌ها می‌دهند آگاه باشید. و در هر حال، نباید به خودتان اجازه دهید که بیش از حد تحت تأثیر آنچه می‌بینید قرار بگیرید. بنا بر این اگر متوجه شوم بعضی از شما مثل شخصیتی در یک برنامه تلویزیونی فکر و عمل می‌کنید، باعث نگرانی‌ام می‌شود. آن وقت می‌توانم بگویم ابزاری که برای تفریح انتخاب کرده‌اید، دارد به شما شکل می‌دهد، شما را می‌سازد. و از آنجایی که تلویزیون به تنهایی کاری با شما ندارد، باید فکر کنم کسانی که نمایش‌ها را می‌سازند شما را بازیچه قرار داده‌اند. وقتی چنین فکری می‌کنم،

ترکیبی از غم، درماندگی و خشم را حس می‌کنم. اما لازم نیست این طور باشد. شما می‌توانید یاد بگیرید ارباب ابزاری که به کار می‌برید باشید، نه برده آنها."

۱. برای هر یک از تمرینات زیر، دور جواب صحیح خط بکشید:

الف. "گلدان و گل‌ها برازنده هم هستند" یعنی:

- گلدان و گل‌ها هم‌دیگر را در آغوش کشیده‌اند.
- بین گل‌ها و گلدان توازن کاملی وجود دارد.
- گل‌ها در گلدان انداخته شده‌اند.

ب. "هیاهوی شهر" اشاره دارد به:

- تکاپوی دائم در شهر.
- آرامش در شهر.
- ساختمان‌های بلند شهر.

ج. "دیدن نکات باریک و لطیف" یعنی مشاهده:

- جزئیات جالبی که مشهود نیست.
- آن بخش‌هایی که برای همه مشهود است.
- چیزهایی که بزرگ و پر جلوه است.

د. "بازیچه قرار گرفتن" یعنی:

- از کسی نصیحتی شنیدن.
- توسط دیگران سرگرم شدن.
- تحت کنترل دیگران قرار گرفتن بدون آنکه آگاه شویم.

۲. ما ابزار مختلفی به کار می‌بریم تا با دست‌هایمان کارهای خاصی انجام دهیم. تعیین کنید افراد زیر از چه ابزاری استفاده می‌کنند؟

الف. نقاش _____

ب. کوزه‌گر _____

- ج. نویسنده _____
- د. خیاط _____
- ه. باغبان _____
- و. دندان‌پزشک _____
- ز. نانوا _____
- ح. نجّار _____

۳. دستان ماهر خلق می‌کنند. مشخص کنید کدام یک از گزاره‌های زیر درست و کدام نادرست هستند:

- | درست | نادرست | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | الف. کسانی که دستان ماهری دارند اغلب تمرین می‌کنند. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ب. بعضی مردم با دستانی ماهر به دنیا می‌آیند. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ج. کسانی که کار دستی را خوب انجام می‌دهند، در انجام کارهای فکری خوب نیستند. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | د. کسانی که دستان ماهری دارند، لازم نیست بر آنچه انجام می‌دهند تمرکز کنند. |

آقای اسکات از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرینات زیر را انجام دهند:

۱. گرچه این روزها بیشتر آنچه را که لازم است انجام شود ماشین‌ها انجام می‌دهند، اما ما نباید ارزش دستان ماهر را فراموش کنیم. تعیین کنید کدام یک از گزاره‌های زیر درست و کدام نادرست هستند:

- | درست | نادرست | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | الف. کودکان لازم نیست نوشتن با دست را یاد بگیرند، زیرا می‌توانند برای نوشتن از کامپیوتر استفاده کنند. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ب. یادگیری نوشتن با دست مهم است و باید در همه مدارس تعلیم داده شود. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ج. دست‌خط زیبا شکلی از هنر است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | د. دیگر نیازی به آشپزی با سبزیجات و گوشت تازه نیست، زیرا می‌توانیم غذاهای آماده و کنسروی مصرف کنیم. |

۵. شغل خیاطی منسوخ شده، زیرا کارخانه‌ها می‌توانند در تعداد بالا پوشاک تولید کنند.
- □
۶. روح انسانی مشتاق خلق زیبایی با دست است.
- □
۷. مردم همیشه برای اشیایی که تک‌ساز و دست‌ساز هستند ارزش قائلند.
- □

۲. نقاش ماهر نکات باریک و لطیف را در آثاری که می‌آفریند جای می‌دهد. در زیر نسخه‌ای از یک نقاشی اثر ونسان ون گوگ آمده است. جملاتی را که در زیر آمده و ملهم از مطلبی است که زمانی فیلسوفی در باره این نقاشی نوشته بخوانید:



ونسان ون گوگ: یک جفت کفش (۱۸۸۶ میلادی/۱۲۶۵-۱۲۶۴ شمسی)

- منافذ تیره بخش مستهلک داخل کفش‌ها قدم‌های کسی را آشکار می‌کنند که به مدت طولانی سخت کار کرده است.
- در سنگینی سخت و خشن کفش‌ها می‌توان ثبوت قدم‌های برداشته شده را دید.
- روی چرم آن را رطوبت و غنای خاک پوشانده.
- در کف آنها تنهایی مسیر منتهی به خانه پس از یک روز سخت کاری در مزرعه احساس می‌شود.
- در کفش‌ها ندای بی‌صدای زمین و هدیه ساکت به ثمر رسیدن دانه از سوی زمین طنین انداز است.
- از کفش‌ها تشویشی بی‌شکایت متشعشع است، تشویش در باره اطمینان از نان، و سرور بی‌کلام یک بار دیگر ایستادگی در برابر محنت گرسنگی.

آمینا قطعه‌ای را که با الهام از یادگیری‌هایش از آقای اسکات نوشته می‌خواند:

زنی با دستان بخشنده می‌دهد.

مردی با قلب قدردان می‌گیرد.

مردی با دستان بخشنده می‌دهد.

زنی با قلب قدردان می‌گیرد.

دست ستم‌گر می‌گیرد.

قدرتش را با شمشیر نشان می‌نمایاند.

دست بخشنده می‌دهد.

با قدرت عشق به حرکت درمی‌آید.

هرکس به دست یاری‌دهنده‌ای نیاز دارد.

کودک برای رشد کردن.

افتاده برای برخاستن.

ستم‌دیده برای آزادی یافتن.

گمشده برای راه را یافتن.

حتی قوی نیز به دست یاری‌دهنده‌ای نیاز دارد.

در لحظات ضعف، ممکن است بلغزیم.

پس دستان ماتمس خود را بلند می‌کنیم و قوت می‌طلبیم.

سهراب می‌پرسد: "ما می‌دهیم و می‌گیریم. این همان چیزی است که می‌گویی، آمینا؟"

آمینا پاسخ می‌دهد: "بله. ولی به همین سادگی نیست. بعضی مردم فقط می‌خواهند بگیرند!"

کیانگا اظهار می‌کند: "منظورت این است که بعضی مردم می‌خواهند پول بیشتر و بیشتری داشته باشند، اما

ثروت‌های خود را با دیگران تقسیم نمی‌کنند؟"

آمینا پاسخ می‌دهد: "فقط در مورد پول نیست. مثلاً ما نمی‌توانیم همیشه از دوستان‌مان انتظار کمک

داشته باشیم و خودمان هیچ کاری برای‌شان نکنیم.

مریم می‌گوید: "در واقع زندگی ما به گرفتن و دادن وابسته است. اگر دیگران به ما کمک نمی‌کردند، نمی‌توانستیم به زندگی ادامه دهیم، ما نیز باید برای کمک به دیگران هر کاری که می‌توانیم بکنیم."

ساتیش می‌گوید: "بعضی مردم می‌دهند چون مجبورند، یا می‌گیرند و شکوه و شکایت می‌کنند. چیزی که آمینا می‌گوید این است که ما باید در دادن بخشنده و هنگام گرفتن سپاس‌گزار باشیم."

فرانکو می‌پرسد: اما ستم‌گر کیست؟ آیا کسی که هرگز نمی‌دهد و همیشه از دیگران می‌گیرد، ستم‌گر است؟"

آقای اسکات که با دقت و اشتیاق به بحث گوش می‌کند، در این لحظه سخن می‌گوید: "پیش از این که به این سؤال پاسخ دهیم باید به یاد داشته باشیم که وقتی می‌دهیم و می‌گیریم وارد نوعی مذاکره نمی‌شویم. مثلاً دو دوست که حقیقتاً به یک‌دیگر عشق می‌ورزند حساب نمی‌کنند که چقدر برای یک‌دیگر کار انجام می‌دهند. بخشندگی به معنی دادن بدون انتظار بازگشت آن است. هم‌چنین به این معناست که چنان مغرور نباشی که از گرفتن آنچه دیگران از روی عشق و محبت به تو تعارف می‌کنند سر باز زنی. این یک مذاکره یا قرارداد نیست. وقتی همه ما، چه فقیر و چه ثروتمند، دارایی‌ها، استعدادها، زمان و منابع خود را در راه به‌زیستی دوستان و خانواده و نیز جامعه بدهیم، آن‌گاه ستم شروع به محو شدن می‌کند. وقتی که ما فقط مشغول راحتی، ثروت و قدرت خودمان هستیم، شروع به قدم برداشتن در مسیر ستم‌گری می‌کنیم، برای خود هر چه بیشتر می‌خواهیم و از دیگران حتی آنچه را که حق آنهاست دریغ می‌داریم."

پیتر می‌پرسد: "اما به سؤال فرانکو پاسخ ندادیم. ستم‌گر کیست؟"

آقای اسکات می‌گوید: "حق با توست. ما به طور مستقیم به فرانکو جوابی نداده‌ایم، چون باید مراقب باشیم که این سو و آن سوا این فرد یا آن فرد را ستم‌گر نخوانیم. آنچه می‌توانیم و در واقع باید انجام دهیم فهمیدن علل ستم‌گری است. برای مثال، حرص یک علت ستم‌گری است. به اطراف خود نگاه کنید، خواهید دید چطور نیروهای حرص عدّه معدودی را ثروت‌مند و ثروت‌مندتر می‌کنند، در حالی که عدّه بسیاری در فقر زندگی می‌کنند. علت دیگر ستم‌گری متعصب و فئاتیک بودن است. این باور که ایده‌های مان همیشه درست هستند و بنا بر این به خود حق دهیم که نظرات مان را بر دیگران تحمیل کنیم، از علل ستم‌گری است."

آمینا می‌گوید: "جالب است. من تا به حال حرص و فئاتیک بودن را با ستم‌گری کنار هم نگذاشته بودم."

صورت آقای اسکات با یکی از لبخندهای معمولش روشن می‌شود؛ او گفتگو را با این نصیحت به پایان می‌برد: "امیدوارم وقتی که بزرگ می‌شوید هدف‌های والا برای خود تعیین کنید، اما بدون این که حریص باشید. در غیر این صورت زندگی تان پر از نارضایتی خواهد بود. هم‌چنین امیدوارم برای ایده‌های شریف به پا خیزید، اما بدون این که فئاتیک و متعصب شوید که این باعث خواهد شد در نهایت از حقیقت غافل بمانید."

۱. برای هر یک از تمرینات زیر دور جواب صحیح خط بکشید:

الف. کسی که قلب قدردانی دارد:

- هم‌واره شکایت می‌کند.
- در زندگی تمام ایرادات را می‌بیند.
- در زندگی هر چیز خوبی را می‌بیند و به خاطر آن شاکر است.

ب. "لغزش در لحظات ضعف" یعنی:

- گم کردن جهت و عبور از مسیر اشتباه.
- نشان دادن قوت.
- یافتن خطاهای دیگران.

ج. "دستان ملتمس خود را بلند کردن" یعنی:

- دستان‌مان را برای گرفتن چیزی بالا ببریم.
- دستان‌مان را با خضوع به سوی عالم بالا بلند کنیم.
- دستان‌مان را با هم بلند کنیم.

۲. در یک مذاکره، طرفین موضع خود را بیان می‌کنند و هر طرف تلاش می‌کند تا جایی که می‌تواند بقیه را با موضع خود موافق کند. از موارد زیر، موقعیت‌هایی را که فکر می‌کنید در مورد مذاکره صحیح است علامت بزنید:

_____ گروهی در باره راه حل‌های ممکن برای یک مشکل بحث می‌کنند.

_____ پدر و مادری در باره تحصیل فرزندان‌شان بحث می‌کنند.

_____ شخصی در حال خریدن چیزی در بازاری که مردم معمولاً در آن چانه می‌زنند.

_____ گروهی از دوستان در باره بهترین نحوه انجام یک پروژه خدمتی بحث می‌کنند.

_____ شخصی در حال خرید ملک است.

_____ اعضای یک خانواده در باره بهترین نحوه مشارکت هر یک در به‌زیستی خانواده مشورت می‌کنند.

۳. رضا یک حالت قلب انسان است که به ما کمک می‌کند در زندگی احساس سرور و خشنودی داشته باشیم.

تعیین کنید کدام یک از موارد زیر نشانه رضا هستند. آنها را علامت بزنید.

_____ احساس سرور از آنچه می‌توانیم از طریق تأییدات الهی به دست آوریم.

_____ خشنودی از نتایج تلاش‌هایی که با دودلی کردیم.

_____ بی تفاوتی نسبت به بی عدالتی.

_____ احساس ناراحتی از هر آنچه نتوانسته ایم بدان دست یابیم.

_____ پذیرش این که ما نمی توانیم همه چیز را کنترل کنیم.

آقای اسکات از دانش آموزان می خواهد تمرینات زیر را انجام دهند:

۱. اغلب، کسانی که بخشنده هستند و زمان و استعدادها و انرژی خود را برای کمک به دیگران می دهند کسانی هستند که بیشترین رشد را دارند. آنها صفاتی روحانی را در خود پرورش می دهند که تنها در عمل به دست می آید. به نظر شما افرادی که در زیر توصیف شده اند، چه صفاتی را در خود پرورش می دهند؟

الف. معلمی که به دانش آموزانش اهمیت می دهد و تعلیم دادن به آنها را دوست دارد.

ب. پزشکی که حقیقتاً از بیمارانش مراقبت می کند.

ج. جوانی که از والد بیمار خود مراقبت می کند.

د. عالمی که با بخشندگی دانش خود را در اختیار دیگران می گذارد.

ه. خانواده ای که در خانه شان به روی همسایگان و دوستان باز است.

و. ثروت مندی که ثروتش را انباشته نمی کند، بلکه از آن به نفع دیگران استفاده می کند.

۲. حرص علت نارضایتی است. کدام یک از موارد زیر ممکن است به رضا و کدام ممکن است به نارضایتی منجر شود.

درست نادرست

الف. احساس سرور از موفقیت دوستان مان.

ب. دیدن زیبایی آفرینش.

ج. مصرف بیشتر و بیشتر محصولات.

- د. رقابت دائمی با دیگران.
- ه. غبطه خوردن به موفقیت یک دوست.
- و. آرزوی داشتن آنچه متعلق به دیگران است.
- ز. نهایت تلاش و کوشش برای رسیدن به کمال.
- ح. آرزوی داشتن ثروت‌های بیشتر و بیشتر.

۳. متعصب بودن گاهی با وفاداری نسبت به یک امر عادلانه یا ایستادگی بر اصول و آرمانهای شریف اشتباه گرفته می‌شود. در نتیجه، یک نفر ممکن است به غلط "فناتیک" خوانده شود. در کدام یک از وضعیت‌های زیر به نظر می‌رسد فدایی بودن به فناتیک بودن تبدیل شده است؟

_____ شخصی، با وجود شگاک بودن برخی از دوستانش، در اعتقادش به خدا ثابت می‌ماند.
 _____ شخصی به اندیشه‌هایی اعتقاد دارد که غیر منطقی هستند و دیگران را مجبور می‌کند که آنها را بپذیرند.

_____ جوانی که از ارزش‌هایش دفاع می‌کند، مشروب الکلی نمی‌نوشد و عفت و عصمت را رعایت می‌کند.

_____ کسی که فکر می‌کند عادلانه است مردم به خاطر باورهای دینی‌شان مجازات شوند.

_____ کسی که اعتقاد عمیق به شرافت افراد انسانی دارد و بر همین اساس هم عمل می‌کند.

_____ کسی خود را وقف پیش‌برد برابری زنان و مردان کرده است.

_____ کسی که اعتقاد دارد خشونت به نام وفاداری به یک امر قابل توجیه است.

هفته‌ها گذشته است از زمانی که وارد کلاس یان اسکات شدیم و به دانش‌آموزی که مجموعه‌ای از جملات کوتاه در باره حس بینایی می‌خواند گوش سپردیم. با انجام تمرینات مشابه در هفته‌های متوالی، گروه عمیقاً در باره قدرت‌های روح انسانی تفکر کرده است. امروز همه احساس می‌کنند زمان به سرعت گذشته و پایان دوره خیلی زود فرا رسیده است. درست چند دقیقه قبل از شروع کلاس، همه ساکت و منتظر، نشسته‌اند. آقای اسکات وارد می‌شود، با همه احوال‌پرسی می‌کند و می‌گوید: "بدن انسانی به زندگی در ملکوت حیوانی زنده است. اما این زندگی با زندگی روح قابل مقایسه نیست. بدن به مانند یک هیکل به روح خدمت می‌کند و روح به آن زندگی تازه‌ای می‌دهد. قدرت‌های عظیم‌تر و عظیم‌تری در آن می‌دمد. آخرین تکلیف شما این است که با هم کار کنید و جملاتی راجع به این قدرت‌ها بنویسید. به یاد داشته باشید! ساده بنویسید، حتی در حالی که افکار شما عمیقند." سپس به سمت در می‌رود، اما قبل از ترک اتاق، سرش را برمی‌گرداند و با لبخند می‌گوید: "کار کردن با شما مایه سرور و افتخار من بود." حال گروه تنهاست. این نوشته آنهاست:

ما با هم دوست می‌مانیم.

ما ثابت می‌ایستیم و دچار لغزش نمی‌شویم.

ما در مقابل نیروهای حرص مقاومت می‌کنیم.

ما در مقابل نیروهای تعصب و فئاتیک بودن مقاومت می‌کنیم.

ما با سرور با هم راه می‌رویم.

ما در مسیر خدمت قدم برمی‌داریم.

ما زیبایی را در آفرینش می‌بینیم.

ما با نور ایمان می‌بینیم.

ما با نور دانش می‌بینیم.

ما متحد هستیم.

ما با سرور با هم راه می‌رویم.

ما در مسیر خدمت قدم برمی‌داریم.

ما کلمه را می‌شنویم.

ما برای دریافت معنا گوش می‌دهیم.

ما با قلب و ذهن مان گوش می دهیم.
ما به هم پیوسته ایم.

ما با سرور با هم راه می رویم.
ما در مسیر خدمت قدم برمی داریم.

ما صادقانه سخن می گوئیم.
ما با لسان شفقت سخن می گوئیم.
ما با خضوع سخن می گوئیم.
ما جویای حکمت هستیم.

ما با سرور با هم راه می رویم.
ما در مسیر خدمت قدم برمی داریم.

ما دست های مان را به هم می دهیم تا جهانی بهتر بنا کنیم.
ما در اعمال خود پشت کار داریم.
دنیای جدیدی پیش روی ماست.
ما نقش خود را ایفا می کنیم.

ما با سرور با هم راه می رویم.
ما در مسیر خدمت قدم برمی داریم.

ما قلب مان را از حسد پاک می کنیم.
ما قلب مان را از ریا پاک می کنیم.
ما گرد تعصب را از آن می زداییم.
باشد که نور حقیقت را منعکس سازد.

تو نیز با ما در مسیر خدمت قدم برمی داری؟